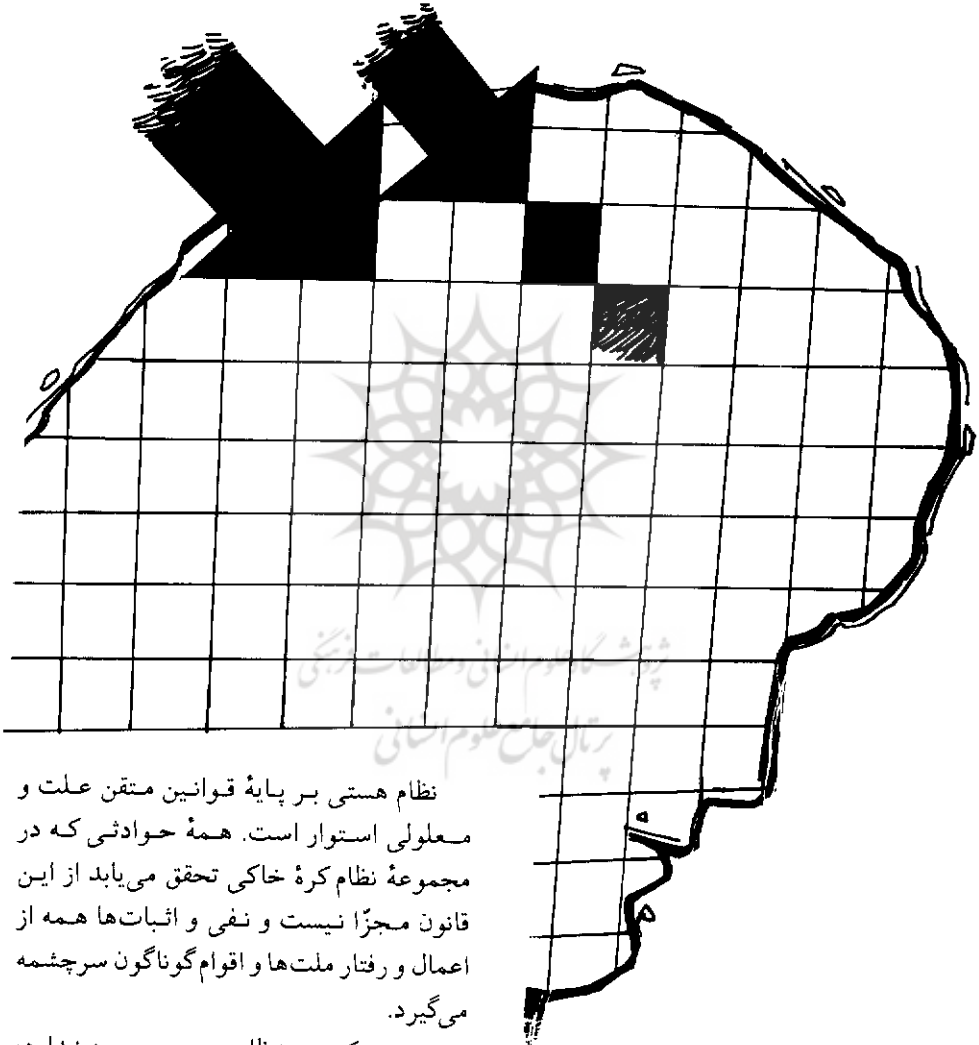


علت‌شناسی و ریشه‌یابی



نظام هستی بر پایه قوانین متقن علت و معلولی استوار است. همه حوادثی که در مجموعه نظام کره خاکی تحقق می‌یابد از این قانون مجزاً نیست و نفی و اثبات‌ها همه از اعمال و رفتار ملت‌ها و اقوام گوناگون سرچشمه می‌گیرد.

چیزی که در نظام هستی وجود ندارد، تصادف است. منتهی انسان‌ها وقتی از علل و عوامل حوادث آگاهی ندارند برداشتشان

حکیمی رفتند و ماجرای خود را بازگو کردند. آن حکیم دستور داد آن گیاه سمی را نابود کنند. اهالی خوشحال شده، همه کوشیدند به وسیله قیچی آن گیاهان سمی را قطع کنند. وقتی ماجرا به گوش حکیم رسید، او از شدت تأثر به گریه افتاد و چنین گفت: "شما باید گیاهان سمی را قلع و قمع کرده، ریشه‌های آن‌ها را از زمین برکنید، زیرا در غیر این صورت پس از گذشت زمانی دوباره آن گیاه رشد پیدا کرده، سموم خود را متوجه گندم‌های شما می‌کند." رعایا به سخن آن مرد حکیم گوش فرا داده، گیاهان سمی را از ریشه قلع و قمع کردند.

تعلیم و تربیت صحیح ایجاب می‌کند که همه تجهیزات لازم برای سازندگی فرزندان را برای آنان فراهم سازیم و آنان را از نازپروردگی و محرومیت‌ها نیز برکنار داریم. زیرا کودک نازپرورده نمی‌تواند روی پای خود بایستد، چنان که کودک محروم نیز در اثر محرومیت‌ها ممکن است به خطا و اشتباه درافتد. پس اولیا موظف‌اند خواست‌های متعادل و معقول فرزندان خود را برآورده سازند.

* * *

او در سال‌های ۴۸ و ۴۹ در یک مدرسه راهنمایی به عنوان کارشناس دینی و تربیتی به تدریس و تربیت اشتغال داشت. شاگردان مدرسه علاقه خاصی به وی داشتند، زیرا بیش‌تر شاگردان مشکلات خانوادگی و اخلاقی خود را برای او بازگو کرده، از او راهنمایی می‌خواستند. او معتقد بود که کودکان و نوجوانان با روحیات ارزنده انسانی متولد می‌شوند و این پدران و مادران و محیط خانوادگی و اجتماعی است که به کودکان شکل خاص داده، آنان را به انجام عمل خلاف و ادار

براساس بخت و تصادف است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ان الله لا یغیر بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. 'خداوند متعال هرگز تغییر و تحولی در قوم و ملتی به وجود نمی‌آورد، مگر آنکه خود آنان تغییر و تحولی در روحيات خود به وجود بیاورند. روی این اصل اعتقاد داریم که فرزندان با پاکی و طهارت متولد می‌شوند و از آلودگی‌ها و فسادها آگاه نیستند و این محیط خانوادگی است که به تدریج بدی‌ها و زشتی‌ها را به آنان انتقال می‌دهد.

پیامبر اسلام فرمود: همه انسان‌ها براساس فطرت پاک متولد می‌شوند و این پدران و مادران‌اند که به رفتار و کردار آنان شکل می‌دهند. بر این اساس اعتقاد داریم که اگر زمینه خلاف در محیط خانوادگی فراهم نگردد، هرگز کودک به عمل خلاف نخواهد پرداخت. به عنوان مثال اگر ترس و خشونت در خانه وجود نداشته باشد هرگز کودکان به دروغ‌گویی متوسل نخواهند شد. بنابراین اعمال خلاف براساس علل و عواملی به وجود می‌آیند. برای از بین بردن خلاف‌ها باید در درجه اول علل و عوامل آن‌ها را از بین برد. مرحوم فیض کاشانی - رحمه‌الله علیه - در یکی از کتاب‌های اخلاقی خود توصیه می‌کند که در نابودی بدی‌ها و زشتی‌ها باید به علل و عوامل آن بدی‌ها پی‌برده، آن‌ها را ریشه‌کن کرد. زیرا تا زمانی که علل و عوامل بدی‌ها وجود داشته باشند، ناخودآگاه زشتی‌ها و بدی‌ها ظاهر خواهند شد. ایشان در این زمینه به ذکر داستان زیر می‌پردازد. در روستایی مردم گرفتار فقر و فاقه شدند، زیرا همیشه گندم‌های مزارع آنان در اثر سم گیاهی که در کنار سنبل گندم می‌روید، خشک و نابود می‌شدند. اهالی آن روستا نزد



می سازد. بر همین اساس وی معتقد بود که قبل از تربیت و سازندگی کودکان باید محیط خانوادگی را از رفتارهای غیرمنطقی و سخت‌گیری‌ها عاری سازند تا کودکان به ناچار دچار انحراف و خطا نشوند.

آن روز زنگ تفریح نواخته شده بود و همه شاگردان در صحن حیاط مدرسه پراکنده بودند. ناگهان شاگردی با اضطراب و تشویش خود را به معلم تربیتی رساند و چنین گفت: "آقا، بدبخت و بیچاره شدم. امروز صبح که از خانه خارج می‌شدم پدرم مبلغ دویست و پنجاه تومان به من داد و گفت: "حواست جمع باشد ظهر که از مدرسه بیرون آمدی این مبلغ را به عمویت که در جنب مدرسه است بدهی. مواظب باش فراموش نکنی." پدرم آن چنان قاطعانه دستور

داد که جرأت نفی و اثبات را نداشتم. من هم با شتاب به مدرسه آمده، در کلاس شرکت کردم. زنگ تفریح فراموش کردم که پدرم به من پولی سپرده است و از کلاس خارج شدم. زنگ دوم

عدد توپ را خریداری کرده است. روز بعد معلم ورزش اطلاع داد که آن شاگرد از پول قلک و قرضی که از خواهرش گرفته آن دو توپ را خریداری کرده است. معلم تربیتی در همان لحظه با منزل این شاگرد ارتباط برقرار کرد و از خواهرش پرسید که آیا او به برادرش پولی قرض داده است یا نه، و خواهرش پاسخ منفی داد. روز بعد معلم ورزش به آن دانش آموز چنین گفت: "اگر مایل به آمدن به این مدرسه هستید و به بچه‌های این مدرسه علاقه‌مندید، باید صادقانه به اشتباهی که کرده‌اید اعتراف کنید، و الاً خود را آماده کنید که از فردا به مدرسه دیگری بروید. در ضمن به این نکته توجه داشته باشید که اگر صادقانه به اشتباه خود اقرار کنید، بدون این که خانواده شما و شاگردان آگاهی پیدا کنند همانند گذشته در این مدرسه به روی شما باز خواهد بود."

روزهای بعد وقتی همه از مدرسه خارج می‌شدند، این دانش آموز مقصر بدون این که کسی متوجه شود وارد دفتر مسئول تربیتی می‌شد و در قلکی که در داخل قفسه‌ای قرار داشت مبلغ پنج ریال می‌انداخت.

هفته بعد در جلسه‌ای که به عنوان انجمن اولیا و مربیان تشکیل شده بود کارشناس تربیتی تذکر داد که باید کودکان را نازپرورده نکرد و در عین حال خواست‌های معقول و منطقی آنان را در صورت امکان برآورده ساخت، زیرا عدم توجه به تمایلات مشروع کودکان ممکن است زمینه انحراف آنان را فراهم آورد.

پی‌نوشت:

۱- سوره رعد، آیه ۱۱.

وقتی وارد کلاس شدم دیدم مبلغ مذکور در کیف نیست. گویی پتکی به سرم نواخته شد و چون معلم درس ریاضی می‌داد جرأت نکردم از کلاس خارج شوم. به ناچار اکنون نزد شما آمدم. آقا، به خدا اگر پدرم بفهمد روزگار مرا سیاه خواهد کرد. "در این موقع شاگرد مذکور به شدت به گریه افتاد. او ضمن گریه کردن دائماً می‌گفت: "خدایا رحم کن". معلم تربیتی از مشاهده این وضع متأثر شده، رو به شاگرد مذکور کرد و گفت: "موقع ظهر وقتی خواستی از مدرسه خارج شوی پیش من بیا تا مبلغ مذکور را به شما بدهم و عجالتاً مشکلی به وجود نیاید تا سر فرصت مشکل را حل کنیم." شاگرد از معلم تربیتی تشکر کرد و به سمت کلاس حرکت کرد. او در دل انسانیت معلم تربیتی را تحسین می‌کرد.

دو سه روز بعد معلم تربیتی از معلم ورزش پرسید: "آیا شما در بین شاگردان کسی را دیده‌اید که رفتارش عادی نباشد؟" معلم ورزش اظهار بی‌اطلاعی کرد و پاسخ دقیق را به زمان دیگری موکول نمود. دو روز بعد معلم ورزش معلم تربیتی را دیدار کرد و چنین گفت: "تازگی‌ها به شاگردی که خانواده او را می‌شناسم برخورد کردم که دو عدد توپ والیبال (آن زمان قیمت توپ ۱۴۰ تومان بود) خریداری کرده، با یکی از آن‌ها عصرها در مدرسه بازی می‌کند و توپ دیگر را به یکی از هم‌شاگردی‌های خود داده است. اما بنده بعید می‌دانم که پدرش این مقدار به او پول داده باشد."

به توصیه معلم تربیتی، معلم ورزش قرار شد از آن شاگرد سؤال کند که چگونه این دو